

زنان شاعر و سیاستمدار

■ چیوچین Chiu Chin (۱۸۷۸-۱۹۰۷ - چین)

شهرت ماندگار این شاعره، نه تنها به خاطر اشعار باقی مانده از او که به خاطر شهامت سیاسی فوق العاده وی و شهادتش در راه آرمانهای والای انسانی اوست. دختر یک حقوقدان بود و در ۱۸ سالگی ازدواج کرد اما بعد از تولد فرزندانش به خاطر تحصیل عازم ژاپن شد. آنجا به یک حزب انقلابی پیوست و بعد از مدتی به رهبری آن انتخاب شد. در سال ۱۹۰۶ برای تدریس به چین بازگشت و روزنامه‌ای برای زنان در شانگهای تأسیس کرد.

به کادر اداری مدرسه‌ای که مرکز فرماندهی مخفی وزارتخانه ارتش انقلابی بود پیوست و در ژوئن ۱۹۰۷ در پیست و هشت سالگی توسط دولت وقت دستگیر شد. اشعار او، به عنوان مدارک خیانت او تسلیم دادگاه شد و او بنا بر رأی صادره در پانزدهم ژوئیه کشته شده شد.

آفرآخواندن به مبارزه

آشایانه‌ها، نامن و چلچله‌ها آواره. وطن من، پیر و شکسته زیر باری سنگین و طاقت فرسا از شرق، خطر همیشگی حمله و تجاوز، از غرب، خطر توطئه‌های نفاق افکنانه اهل قلم! قلم‌های خود را زمین نگذارید! زنان خانه‌نشین! اسلحه به دست بگیرید! اکنون و اینجا، ناجیان واقعی، قهرمانانند. بیاید دست در دست یکدیگر سدی برافرازیم در برابر سیل ویرانگر.

■ هنریته رولاند - هولت Henriette Roland - Holst (۱۸۶۴-۱۹۵۲ - هلند)

این شاعره، سوسیالیستی فعال بود و مقام و منزلت او در هلند به عنوان شاعر و سیاستمداری تأثیرگذار انکارناپذیر است. او از مخالفان سر سخت نظریه هنر برای هنر بود که در سال‌های ۱۸۸۰ پدید آمد و مخاطبان شعر را با موضوع و زبانی غیر قابل متعارف غافلگیر کرد. رولاند هولت به عنوان مرید مارکس به حزب سوسیالیست پیوست اما در سال ۱۹۱۵ حزب انشعابی «سوسیالیست انقلابی» را تأسیس کرد. در اواخر عمر، از مارکسیسم و افکار انقلابی تندرو دست شست و طرفدار سوسیالیستی براساس اعتقادات مذهبی شد.

دستخوش امواج

سراسر روز صدها را تشنیده می‌گیریم زیرا کار ما را در خود غرق می‌کند اما شبانگاه که میوه رسیده روز فرو می‌افتد خود را همچون کمان‌هایی کشیده، سرشار از پرش می‌نماییم. با ظاهری خشنود و آرام، گرد هم می‌نشینیم، زیر چراغ و در کنار شعله‌های کاهنده آندوه در اجاق آسوده خاطر از به یاد آوردن روز تهنی شده بی‌تشت مصیبتی بزرگ. زیرا اما همیشه در هراسیم.

همچون همسران مردان ماهیگیر که هر روز، تمام روز جهت باد و جریان آب را می‌پایند، نگران همه هستی خود، دستخوش امواج خروشان قلب مادر پهنه دریای زندگی با جزر و مد امواج می‌تپد و هر موج در طغیان خود تا ژرفاهای ما را به لرزه درمی‌آورد.

■ ریتا بومی پاپاس Rita Boumi Pappas (۱۹۰۶ - یونان)

این شاعره اعتقاد دارد که شعر می‌باید انگیزه و هدف اجتماعی داشته باشد. وی مدت دو سال سردبیری یک نشریه تخصصی شعر را به عهده داشت و مدت هفده سال برای بخش سیاست بین‌الملل روزنامه‌های ترقی‌خواه و مبارز یونان مقاله می‌نوشت. او و همسرش گلچینی از شعر جهان معاصر گردآورده‌اند. از این شاعره یونانی، تاکنون بیش از پانزده کتاب شعر منتشر شده است.

کلاغ

برای استالین نمی‌توانی هجوم آوری از پنجره باز بر سرزمین رویاهای شاعرانه من یا پناهگاه امن و امانم و ناگزیرم کنی تا همان کبوتر سپیدی بدانم تو را که در انتظارش نغمه می‌سرایم. نمی‌توانی به غارت بری آفریده‌هایم را با شیبخون زدن و پراکنده کردنشان، آکنده از وحشت و بگسترانی بال‌های سیاهت را و سایه افکنی بر خانه‌ام و غلبه کنی بر کلمات خیس خاموشم برای کنترل نظمشان و سبک سنگین کردن عیوسانه معانی شان و آزمون بدخواهانه جانمایه سرودهایم؛ عطری که از پس ترکیب‌های فراوان یافته‌ام. و تأیید کنی، نفی‌ام کنی

موزیانه بخندی هنگامی که غافلگیرم می‌کنی با چشمان گریان دیکته کنی به من، غارهای احماقانه‌ات را فرود آیی بر شانه‌هایم با چنگال‌های حریمت از بیم آنکه بگریزم؛ لانه کنی در وجدانم و به زور راه‌یابی در لباسم در بستم و زیر پوستم و متقاعد کنی که خردمندی که از چشمان نفرت‌انگیزت، عاطفه‌ای پدرا نه می‌بارد. که منقار خونریزت بی‌گناه است و هرگز در گوشت انسان فرو نرفته است

دست به من نزن! خون مرا نتوانی نوشید، خون من شرابی نایاب است. نفسم را نتوانی برید روحم را نتوانی دزدید همچون راهزنی من در برابرت خواهم ایستاد و همگان را به کمک خواهم طلبید!

■ گابریلا میسترال Gabriela Mistral (۱۸۸۷-۱۹۵۷ - شیلی)

این شاعره نخستین جایزه نوبل را برای امریکای لاتین از مغان آورد. وی تحصیلات خود را در رشته‌ی آموزش ابتدایی و متوسطه به پایان رسانید و سپس به عنوان آموزگار در مدارس محلی مناطق روستایی مشغول به کار شد. بعدها به عنوان مشاور فرهنگی دولت‌های شیلی و مکزیک انتخاب شد و این آغازی بود برای فعالیت‌های سیاسی او از جمله نمایندگی کنسولی دولت‌های مادرید، لیسبون، لوس آنجلس و شهرهای دیگر. میسترال در زمان به قدرت رسیدن نازی‌ها، به برزیل رفت و بعد از جنگ به شیلی بازگشت و سالهای آخر عمر خود را به عنوان استاد دانشگاه و سخنگوی برنامه‌های آموزشی ایالات متحده در آمریکا گذراند.



بلاگا دیمیترووا تحصیلات عالی‌ی خود را در رشته‌ی فلسفه در دانشگاه صوفیه به پایان رسانید و به خاطر رساله‌ی درخشان تحت عنوان «مایاکوفسکی و شعر بلغار» موفق به اخذ درجه‌ی دکتری از دانشگاه مسکو شد. بلاگا دیمیترووا که از محبوب‌ترین و پرمایه‌ترین نویسندگان اروپای شرقی به‌شمار می‌رود و آثارش به زبان‌های مختلف دنیا ترجمه شده است، در سال‌های طولانی حکومت رژیم کمونیستی تند روی بلغارستان، رهبر سرسخت‌ترین گروه مخالف دولت بود و زندگی خود را وقف دفاع از حقوق بشر و اصلاحات سیاسی کرد. وی به پاس تلاش‌های صادقانه و خستگی‌ناپذیرش در راه آزادی، ژانویه سال ۱۹۹۲ در حکومت مردمی نوپدید بلغارستان، به عنوان معاونت ریاست جمهوری برگزیده شد.

مصاحبه‌ای با بلاگا دیمیترووا (BLAGA DIMITROVA) شاعر بزرگ بلغار و معاونت ریاست جمهوری

فریده حسن زاده (مصطفوی)

پرسش‌ها از ما - پاسخ‌ها از مجموعه اشعار او

بر بلندی‌های «واروشا» خیس عرق در کت و شلوار دامادی‌اش، فراتر از این هیچ نمی‌خواهم بدانم همین برابم با معتاد است از یک موزه اجداد و الاینار من: اگر روزی، یکی از هزاران روزهای زندگی‌تان امکان تکرار یابد - کدام یک را برخواهید گزیند؟ ج: تنها یک روز عادی، غرق در نور منتشره روز چشیدن دوباره‌ی ابتدال ساده‌ی آن، سرشاری زلالش بی‌سنگینی‌ی سایه‌ی هیچ خاطره‌ای بر آن. من: هراسناک تر از تابینایی؟ ج: دیدن است با دو چشم باز که چه بر سر این سرزمین می‌آید. من: حرف آخر؟ ج: سخن گفتن از سخنان ناگفته. همچنین فریده حسن زاده (مصطفوی) در حال گفت و گویی با این شاعر و سیاستمدار است که در شماره‌های آبی این نشریه، به چاپ خواهد رسید.

س: من واقعی شما؟ ج: من واقعی‌ام، با چشمان یک کودک همراه پرتندگان مهاجر، گریزان در دور دست‌ها س: میانه‌ی شما با قدرت؟ ج: پس قدرتمندم هیچ تدارم کس از من نیست. هیچ تدارم پلرزم از بیم از دست دادنش هیچ تدارم پنهان کنم در سکوت می‌توانم بی‌پروا بایستم رو در روی همه‌ی پادشاهای جهان. س: تعریف شما از تنهایی؟ ج: هر اندازه مرزهای ما بی‌کرانه‌تر، تنهایی ما گسترده‌تر. س: سهم خیالات؟ ج: اگر هنوز آن را جانی باشد وسعت دیوارهای بی‌پنجره س: سؤالتان از محافظه‌کار؟ ج: چگونه روا داشتی که زبان تو وحشی، رام نشده، و می‌داند از حصار دندان گون دست‌آموز گردد؟

س: سؤالتان از اهل قیور؟ ج: از چیست بی‌قراری انسان؟ و کیست آن بی‌قرارتر که او را فرا می‌خواند؟ س: چه کسی حقیقت را می‌گوید؟ ج: رو در روی یکدیگر می‌نشینیم پشت به خود یا چهره‌هایی اجبر شده و اشاره‌ای گذرا به حقیقت. ما اصل نکته را کتمان می‌کنیم. س: تنها راه رهایی؟ ج: در بند آزادی خود باشیم. س: فانی‌ترین چیزها؟ ج: دوستی، شهرت، قدرت، موفقیت و پیروزی. تنها آن شکننده‌ترین است که می‌باید، نشان عمیق زخمی که عشق برجای می‌دهد. س: شجره خانوادگی؟ ج: پدر بزرگ، روز عروسی یا مادر بزرگ اشاره آفاق در زیبایی‌ها مادر پیر و زمین گیرش را بر دوش برد تاخانه‌ی دور افتاده‌ی عروس

دختر فرمان هنرمند

از گابریلا میسترال استایش کن «زیبایی». را، زیرا سایه خداست بر سر جهان. هنر بی‌خدا وجود ندارد. حتی بی‌مهر آفریننده‌ات در سینه شهادت می‌دهی پر وجود او، یا «آفریدن». اله‌هدف تو از آفریدن زیبایی، باید تغذیه ز روح باشد. نه برانگیختن احساسات. زیبایی زلف به بهانه‌ای برای پیرایه پرستی و پوچ گرایی که دست‌آویزی بدان برای غنای جان و روان. زیبایی را در مجلسی بزم یا بازار مکاره تجزیه و آثارش را در چنین ایستایی عرضه مکن! زیرا زیبایی، پاک و معصوم است و جای‌اش در مجالس بزم یا بازارهای مکاره نیست. زیبایی، ترانه‌ای است که از قلب تو می‌تراود. و نخستین کسی که باید تطهیر شود، خود تویی.

زیبایی آفریده تو، باید مظهر شفقت باشد و قلوب آدمیان را تسلی بخشد. اثرش را باید همانگونه به‌رورانی که مادری، فرزندش را؛ یا خون دل. زیبایی نباید همچون آفیون تو را به خواب ناز فرو برد، بلکه باید همچون شرابی قوی، آتش تمناهایت را شعله‌ور کند، زیرا اگر تو مرد یا زنی کامل نگردی، در فریاد جوارخانه‌ی، ما کالای!

طلب

چه کسی خفه کرد صدای خسته‌ی خواهر جنگلی‌ام را؟ ناگاه گم شد فریاد حق طلبانه‌اش در سیر بی‌انتهای شب و روز دیگر به سپیده‌دمان آن صدرا نمی‌شنوم، آن صدای فرسوده‌ی آن راه سپردن‌ها، فرستگ‌ها از بی‌فرستگ‌ها فریاد جوارخانه‌ی، ما کالای!

نه، دیگر آن صدا نمی‌آید، آن صدای نمناک شبنم آلود، در امساک کودکان و فرامین... همیشه‌ی خدا، کودکی بر پشت و کودکی در شکم!

منبع: شعر زنان جهان گزیده و ترجمه فریده حسن زاده (مصطفوی)

«پروین» در شهرستان‌ها نمایندگی می‌پذیرد

نشریه پروین را غیر از روزنامه‌فروشی‌ها در کتاب‌فروشی‌های تهران، ایستگاه‌های مترو، پاتوق فرهنگی و کافه شوکا می‌توانید تهیه فرمایید.

سازمان آگهی‌های پروین آگهی می‌پذیرد ۳۵۴۷۷۹